

بومی‌سازی دولت مجازی در نظام جمهوری اسلامی ایران

محمدسجاد شیروودی*

چکیده

دولت مجازی، چارچوب تازه‌ای است که از قابلیت و توانایی بالایی برای افزایش مشروعیت سیاسی نظام‌های سیاسی در سطح بین‌المللی برخوردار است. در جمهوری اسلامی که سال‌های اخیر با نوعی نگرانی برای موضوع مشروعیت سیاسی روبه‌رو است (مسئله) نظریه دولت مجازی ریچارد رزکرائس (روش) با چه تغییراتی و با کدام مؤلفه‌های بومی شده قادر است به ارتقا مشروعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران کمک کند؟ (سؤال) یافته‌های مقاله براساس شیوه بررسی توصیفی - تحلیلی نشان می‌دهد: با بومی‌سازی دولت مجازی و فروکاستن آن به سطح ملی و درآمیختن آن با آموزه‌های دینی می‌توان به ارتقای کارآمدی جمهوری اسلامی و عبور نظام، از بحران‌های پیش‌رو مدد رساند.

واژگان کلیدی

دولت مجازی، جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی، کارآمدی، بومی‌سازی.

مقدمه

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، ضمن برشمردن دستاوردهای چله اول، بر چالش‌هایی که در دسترسی به تمدن نوین اسلامی و الگوسازی اسلامی - ایرانی پیشرفت، به مثابه یک مسئله، بحران و چالش فراروی نظام قرار دارد اشاره کرده است بنابراین یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی کشور، ارتقاء یا کاهش کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی در ساختارها، راهبردها و نتایج است.

نگارنده بر آن است که بومی‌سازی نظریه دولت مجازی ریچارد رزکرانس می‌تواند به حل این مسئله یا کاهش شدت بحران و اصلاح آن کمک کند. ریچارد رزکرانس بر این باور بود: «دولت مجازی به معنای کاهش قابلیت تولیدی است که وابسته به زمین است بنابراین شکل‌گیری دولت مجازی نتیجه منطقی رهایی از قیدوبند سرزمین است، دولت مجازی زمانی ظهور می‌یابد که هدف، تأسیس و تداوم دولت مبتنی بر سود یا دولت سودگرا است». اولین نشانه‌های ظهور دولت مجازی، به بعد از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد که کشورهایی چون ژاپن و آلمان بجای تداوم نظارت بر قلمروهای سرزمینی، تلاش خود را به افزایش سهم خویش در تجارت جهانی معطوف کردند و سفیران خود در کشورهای مختلف جهان را به نمایندگان تجارت و سرمایه‌گذاری تبدیل نمودند و این رویکرد، نتیجه تحولات رو به رشد تجاری و تکنولوژی در دولت‌های مدرن بوده است.

در دولت مجازی، شهروندان به این نتیجه رسیده‌اند که دولت مدرن دیگر نمی‌تواند مشکلات مهم آنان را حل کند و در این شرایط، سازمان‌های وظیفه‌شناس فرهنگی، قومی و سیاسی، بیش از دولت مدرن، شعور جمعی و حس پشتیبانی مردم را درک و بدان توجه کنند. (توحیدفام، ۱۳۸۲: ۶۷) بنابراین، علی‌رغم اطلاعاتی که درباره دولت مجازی رزکرانس داریم اما همچنان ابهام‌ها و معماهای فراوانی در مورد آن به ویژه در نحوه و میزان بومی‌سازی آن در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که ما را به انتخاب و تبیین آن، برای پژوهش در چارچوب نظام سیاسی جمهوری اسلامی کشانده است. انطباق نظریه دولت مجازی رزکرانس بر جمهوری اسلامی ایران به مثابه راه بومی‌سازی شده‌ای که برای آینده خود انتخاب می‌کند، نوآوری مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد. بنابراین، فرضیه «آمیختن آموزه‌های اخلاقی، دینی و ایرانی به نظریه رزکرانس، مدلی را فراهم می‌آورد که جمهوری اسلامی را در ارتقای مشروعیت سیاسی خود مدد می‌رساند»، پیش پای ما است.

پیشینه پژوهش

آثار غیرمستقیم معدودی درباره دولت مجازی کارآمد منتشر شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. کتاب *دولت‌سازی، ملت‌سازی و نظریه روابط بین‌الملل؛ چارچوبی تحلیلی برای فهم و مطالعه جهان دولت - ملت‌ها* (قوام و زرگر، ۱۳۸۸) نویسندگان درصددند که نشان دهند تعداد زیادی از دولت‌هایی که از حیث حقوقی دولت نامیده می‌شوند، موضوع دولت‌سازی همچنان به ویژه در جهان سوم از اهمیت فراوانی برخوردار است. این اثر ارزشمند تنها می‌تواند در ارائه مفهوم دولت‌سازی و تبیین سیر تاریخی آن به موضوع تحقیق کمک کند.

۲. کتاب *عصر جدید: نقش جوانان انقلابی در دولت‌سازی اسلامی* (میرباقری، ۱۳۹۸) براساس بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی یک حرکت تمدنی بود که انسداد بعد از انسداد را شکست و عصر جدیدی را آغاز کرد. بیانیه گام دوم، باید مستندسازی و تئوریزه شود و بر محور آن، نظریه‌پردازی و راهبردننگاری و گفتمان‌سازی صورت گیرد. این اثر با توجه به فرآیند دولت‌سازی، امت‌سازی و تمدن‌سازی و حرکت تمدنی بیانیه گام دوم می‌تواند کمک اندکی برای تحقیق حاضر باشد.

۳. کتاب *درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام*: (اخوان، ۱۳۹۶) نویسنده با تبیین مفهوم کارآمدی و کارایی آن، بر آن است چالش‌ها و عوامل مخل آن را در نظام جمهوری اسلامی ایران شناسایی کند، نویسنده تلاش کرده است اساسی‌ترین دیدگاه‌های موجود صاحب‌نظران و اهل فن کشور را در این زمینه مورد بررسی قرار دهد و با شناسایی چالش‌های کارآمدی، راه‌حل‌هایی را عرضه بدارد.

۴. کتاب *درآمدی بر مسئله کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران*: (زهیری، ۱۳۹۸) رویکرد آسیب‌شناسانه به دنبال ترویج نگاه بدبینانه به نظام‌های سیاسی نیست، بلکه در پی آن است تا فاصله وضع فعلی را با آرمان‌های نظام سیاسی و انتظارات مردم تبیین کند. این کتاب، با رویکردی آسیب‌شناسانه در پی شناسایی چالش‌های پیش‌روی کارآمدی در جمهوری اسلامی می‌باشد.

۵. مقاله *بحران دولت‌سازی در ایران پس از انقلاب*: (حیدری، ۱۳۹۸) ساخت، ماهیت و کارکرد دولت در ایران پس از انقلاب، از مباحث مهم است، از آنجاکه دولت به عنوان نهادی سیاسی شناخته می‌شود، دولت‌سازی به فرآیند تکوین و تثبیت ساخت نهادی و سازمانی دولت‌های مدرن اشاره دارد، سعی در ارائه مدل جدیدی از فرآیند دولت‌سازی داشتند. این مقاله می‌تواند در مبحث مربوط به فرآیند دولت‌سازی پس از انقلاب برای تحقیق حاضر مفید باشد.

۶. گزارش تحلیلی بر کارآمدسازی نظام سیاسی در ایران: (موسوی، ۱۳۹۷) این گزارش تأکید دارد، با مقایسه وضع کشور در بخش‌های مختلف با قبل از انقلاب و نیز کشورهای دیگر و امکانات آنها، می‌توان به دست آورد که آیا این نظام اسلامی موفق بوده است یا نه؟ اگر بخواهیم درباره کارآمدی آن بحث کنیم، دستکم (ادبیات کلمه)، مهم‌ترین ابعاد این دین را بررسی و اصول، احکام و مؤلفه‌های هر یک

را بیان کنیم تا میزان ارتباط مبحث کارآمدی در جمهوری اسلامی را با آن مقایسه نماییم ولی این مبحث ارتباط اندکی با موضوع تحقیق پیدا می‌کند.

تعریف مفاهیم

از بین واژه‌های به کار رفته در این مقاله، چند واژه زیر نیازمند بسط بیشتری‌اند:

۱. **دولت‌سازی:** از گذشته‌های دور، عمل و اقدام به دولت‌سازی (State – Building) همواره، در جریان بوده اما اصطلاح دولت‌سازی، مفهوم جدیدی است که از دهه‌های اخیر مطرح شده است. زیرا دولت‌سازی که مرکب از دو کلمه «دولت» و «سازی» است از تأسیس یا ساختن دولت به شیوه دلخواه قدرت‌های بزرگ و از تفسیر آنان از دولت به مفهوم جدید، حکایت دارد. در دولت‌سازی، دولت به معنای کابینه وزیران و کشور یا سرزمین نیست بلکه به معنای حکومت است که دربردارنده سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه است. (شفیعی، ۱۳۹۳: ۳۳) دولت یا منشأ داخلی دارد یا خارجی! در بعد داخلی، دولت یا یک پدیده اندام‌وار است یا پدیده‌ای ابزارگونه! دولت به مثابه پدیده‌ای اندام‌وار و ارگان‌سیمی طبیعی است که از سه ویژگی ارتباط داخلی میان اجزاء، توسعه از درون و درونی بودن هدف، برخوردار است. (بشیریه، ۱۳۸۲: ۹۵) دولت‌سازی در این مقاله علاوه بر تأکید بر ضرورت پروسه‌ای بودن ساخت دولت، آن را مبین مجموعه‌ای از نهادها، نگرش‌ها و شیوه‌های اعمال و رفتاری می‌داند که مدنیت نه لزوماً مدرنیت را به همراه می‌آورد.

۲. **کارآمدی و مشروعیت:** کارآمدی بیشتر در سه قلمرو مدیریت، اقتصاد و سیاست کاربرد دارد، در فرهنگ علوم سیاسی به اثربخشی، تأثیر، توانایی نفوذ، کفایت، قابلیت و لیاقت معنا شده است. در تعریف دیگر، کارآمدی با کارایی مترادف گرفته شده و این‌گونه تعریف گردیده است: قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین‌شده و مشخص (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۴۴۶) کارآمدی عبارت است از موفقیت در تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع (فتحعلی، ۱۳۸۲: ۹۸) اهداف در بحث کارآمدی، تابع نظام ارزشی است، نظام ارزشی نیز به‌طور کلی تابع نظام جهان‌شناسی است. توجه به مفهوم کارآمدی و مؤلفه‌های آن و در نظر گرفتن دستاوردهای انقلاب اسلامی در زمینه‌های مختلف، مبین کارآمدی و موفقیت نسبی انقلاب اسلامی است که با اتکاء به خداوند و حمایت‌های گسترده مردمی توانسته شرایط و مراحل گوناگون جایگزینی، استقرار، تثبیت اولیه، گذار و ثبات را به‌خوبی پشت سر بگذارد که در مجموع در میان تمامی انقلاب‌های جهان بی‌نظیر است. با ارتقا کارآمدی، مشروعیت سیاسی اتفاق می‌افتد و این موضوع نقطه اتصال مشروعیت و کارآمدی است.

۳. **مجازی‌سازی:** مجازی‌سازی یا به اصطلاح Virtualization تکنولوژی است که بوسیله آن می‌توان اجرای همزمان دو یا چند سیستم عامل بر روی یک سیستم سرور فیزیکی را میسر ساخت، مجازی‌سازی پیوند دهنده میان سخت‌افزار و سیستم عامل است و به شما اجازه اجرای چند نرم‌افزار کاربردی و سیستم عامل بر روی یک سیستم فیزیکی را می‌دهد، به نحوی که باعث بهره‌وری در هزینه‌های سخت‌افزار و نرم‌افزار و همچنین استفاده بهینه از تمامی منابع سیستمی، کاهش هزینه و کاهش مصرف انرژی می‌شود. مجازی‌سازی یک مسیر اجتناب‌ناپذیر پیش‌روی مجموعه‌ها و دولت‌هاست (جکسون، ۱۳۸۵: ۱۴۲) مجازی‌سازی برای چندین دهه به عنوان چشم‌اندازی در حوزه فناوری اطلاعات قرار گرفته بود و امروزه می‌توان با توجه به نیازهای موجود و آتی، از آن در لایه‌های مختلفی از یک یا چند سیستم استفاده نمود و در دولت‌ها نیز از آن بهره جست.

چارچوب نظری

ریچارد زکرائس بر این باور بود: دولت مجازی به معنای کاهش قابلیت تولیدی است که وابسته به زمین است بنابراین شکل‌گیری دولت مجازی نتیجه منطقی رهایی از قیدوبند سرزمین است، دولت مجازی زمانی ظهور می‌یابد که هدف، تأسیس و تداوم دولت مبتنی بر سود یا دولت سودگرا است. در کاربست بومی چارچوب نظری دولت مجازی با هدف نشان دادن مؤلفه‌های مؤثر آن در ارتقای کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، عناصر اصلی نظریه دولت مجازی تجزیه و سپس هر یک از این بخش‌ها، در نگاه به جمهوری اسلامی تحلیل می‌گردد.

۱. اجزای سازنده دولت مجازی: سرآغاز درک دولت مجازی، پی بردن به اجزای سازنده آن است که

شرح برخی از آنها در نمونه‌های زیر قابل دسترسی است:

الف) ارتباطات محور: آنچه زکرائس از دولت مجازی گفته است، ناشی از علاقه و تخصص همزمان وی در مباحث اقتصادی و ارتباطاتی است، بنابراین او در ایده دولت مجازی، بیشتر در پی دستیابی به شیوه‌ها و مبانی تحول در زندگی خصومت‌آمیز جامعه جهانی بر پایه اقتصاد و ارتباطات است. در واقع، وی از جمله اندیشمندانی است که کوشیده با استفاده از تئوری نظام‌ها یا سیستم‌ها و ادغام آن با مفاهیم جدید برآمده از دو حوزه ارتباطات و اقتصاد، به بررسی اساس تغییرات جامعه جهانی در عرصه بین‌الملل، از زاویه جدید بنگرد. او با ایده دولت مجازی، ضمن تأیید وقوع تغییر در ماهیت دولت‌ها، تصویری تازه از روابط بین‌الملل در دوره کنونی ارائه می‌کند، تأکید وی بر وقوع تغییرات در ترکیب بین اقتصاد و ارتباطات، به این معنا نیز هست که دولت مجازی تنها یک موضوع بین‌المللی نیست بلکه سطوح منطقه‌ای مانند جنوب شرقی آسیا و ملی چون آلمان را دربرگرفته است. او در دهه ۱۹۹۰ وقوع چنین

تغییری را در سطحی از جهان تشخیص داد و سرایت آن در دیگر مناطق جهان را پیش‌بینی کرده است. (سلیمی، ۱۳۸۴: ۲۵)

ب) اقتصادمحور: به اعتقاد رزکرانس، دولت مجازی بیش از آنکه تحقق یافته باشد، در حال شکل‌گیری است. این دولت، حاصل توسعه اجتناب‌ناپذیر و رو به رشد فضای مجازی است و آن نیز، نتیجه افزایش حیرت‌آور فناوری اطلاعات و ارتباطات و اهمیت بی‌نظیر اقتصاد و تجارت در عرصه بین‌المللی و فراتر رفتن دایره فعالیت‌های مالی - اقتصادی و اطلاعات - تکنولوژیک از مرزهای ملی و منطقه‌ای است، از این‌رو دولت مجازی را باید دولتی دانست که حوزه تلاش‌های تجاری - اقتصادی را به سطح جهان توسعه می‌دهد و اگر فضای مجازی به مفهوم کلان نبود، دولت جدیدی به نام دولت مجازی شکل نمی‌گرفت. البته دولت مجازی، تفاوت ماهوی با دولت مدرن ندارد بلکه به ابزاری جهت کارآمدسازی دولت مدرن تبدیل می‌شود. درواقع، دولت مجازی موجود تازه و واقعیت انکارناپذیری است که نخست در کشورهای توسعه‌یافته ظاهر شده است اما در حال گسترش به جهان است، دولت مجازی با حفظ کنشگری دولت به مثابه مهم‌ترین کنشگر فعلی، تنها بر تغییری که در ماهیت و نوع فعالیت دولت اتفاق می‌افتد، تأکید می‌کند. (همان؛ شیروودی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۷)

ج) مفاهیم بجای منازعه: دولت مجازی، ادامه منطقی دولت تجاری در محیط سیاسی است. این دولت معادل سیاسی شرکت‌ها و مؤسسات مجازی چند ملیتی است. این دولت، بجای تلاش محض در حوزه‌های امنیتی - نظامی، به حوزه‌های مالی - اقتصاد عرصه‌ای فراتر از مرزهای ملی، معطوف می‌شود و در پی افزایش موقعیت‌ها، بهره‌وری‌ها و فرصت‌های مالی - اقتصادی است. در گذشته دولت‌هایی چون «کره» بوده‌اند که تنها در حوزه مالی - اقتصادی تمرکز داشته‌اند ولی در دولت مجازی، یک تجدید سازمان مکانی و در عین حال ماهوی، ایجاد شده و فضای نوینی برای کنش پدید آمده به حوزه سیاست نیز، کشیده می‌شود. در دنیای جدیدی که دولت مجازی دال مرکزی آن را تشکیل می‌دهد، از خطر منازعه کاسته می‌شود و امکان بیشتری برای همکاری و همزیستی فراهم می‌گردد. در دنیای جدید، مناقشات بیشتر از نوع بحران‌های مدنی هستند که میزان خشونت و ویرانگری آنها بسیار کمتر است، زیرا نوعی دموکراسی اقتصادی شکل می‌گیرد و دموکراسی از این نوع بحران‌ها می‌کاهد و نیز به‌همین دلیل، دولت‌های توسعه‌یافته در حال رفتن به فراسوی خواسته‌های نظامی و رقابت نه بر سر سلطه سیاسی، بلکه برای برخورداری از سهم بیشتر در تولید و محصولات جهان است. (همان)

د) محلل بحران شهروندی: هم‌زمان با کوچک شدن دولت‌ها، نارضایتی کارکنان رو به افزایش می‌گذارد، استخدام در زمینه‌هایی افزایش و در جاهایی کاهش می‌یابد. در بیشتر کشورها، جریان عوامل

بین‌المللی تولید شامل تکنولوژی، سرمایه و نیروی کار، قدرت اقتصادی داخلی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، در نتیجه دولت باید برای حل مشکلات داخلی خود به‌طور مستقیم با عوامل تولید بین‌المللی وارد معامله شود. کشورهای مجازی نیاز به سرمایه‌گذاری در خارج دارند، در غیر این صورت، بازار خارجی را از دست می‌دهند. حفظ این سرمایه‌گذاری نیاز به حفظ تورم پایین، افزایش تولید، پول قوی و نیروی کار انعطاف‌پذیر و آموزش‌دیده دارد و نتیجه عدم تأمین چنین مواردی، ناامنی داخلی برای مشاغل رفاهی و خدماتی خواهد بود. جهانی شدن هر چند ممکن است تضادها را در ملت‌های جهان سوم کاهش دهد، اما این امکان وجود دارد که در کشورهای توسعه‌یافته، نابرابری بین کارگران ماهر و غیرماهر را افزایش دهد. انتقال تولید به فراسوی مرزها، کارگرانی را در کشورهای جدید به استخدام در می‌آورد. مهاجرت مردم از کشورهای جهان سوم به کشورهای جهان اول، دستمزدهای واقعی را در کشورهای خودشان افزایش می‌دهد، در نتیجه، توانایی دولت در حمایت از دستمزدها و قیمت‌ها و حفظ استخدام به‌طور گسترده کاهش می‌یابد. بنابراین دولت مجازی نمی‌تواند تمام شهروندانش را راضی نگه دارد. (رزکرانس، ۱۳۸۸: ۴۲ - ۴۲)

۲. کارکردهای دولت مجازی: در مبحث مربوط به تعریف مفاهیم، ماهیت را با غایت برشمردیم زیرا غایت به معنای کنه و ته یک موضوع، با ماهیت، سر بر یک بالین می‌گذارند. بر این پایه، برخی از موارد مربوط به ماهیت و غایت را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) فراتر از کشاورزی: جهان در آغاز راهی است که مهم‌ترین منابع، غیر ملموس‌ترین آنها است، جایی که ذخیره کالاها، سرمایه و نیروی کار، کمتر از جریان یافتن آنها و منابع منطقه‌ای و کمتر از اقتصاد بین‌المللی اهمیت دارد درحالی‌که کشورهای در حال توسعه هنوز کالاهای حاصل از زمین تولید می‌کنند و همچنان در فکر گسترش قلمرو هستند، نوع جدیدی از دولت به شکل دولت‌های مجازی بر مبنای سرمایه سیار، نیروی کار و اطلاعات در حال تولد است. دولت مجازی، یک واحد سیاسی است که سرزمینش را بر مبنای ظرفیت تولید، کوچک نموده است و بازار جهانی را به کسب سرزمین ترجیح می‌دهد. دولت‌های مجازی با انتقال بخش اعظم تولیدات داخلی خود به خارج و هدایت سطح بیشتری از اقتصادشان به سمت سطوح بالای خدمات، روابط تولیدی و بین‌المللی خود را از نو شکل می‌دهند، آنها جهانی را آغاز کرده‌اند که بجای ذخیره کالاها، مبتنی بر کنترل جریان تولید و قدرت خرید است. این دولت‌ها جهانی را شکل داده‌اند که بجای ماشین و سرمایه مادی، مبتنی بر آموزش و سرمایه انسانی است، آنها به ملت‌ها فرصتی برای ایجاد ارتباطات بین‌المللی در زمینه تولید ارائه می‌کنند. (Rosecrance, 1999: 3)

ب) تجمیع عوامل تولید: دولت مجازی نیز همانند ستاد مرکزی یک شرکت بزرگ مجازی، استراتژی

کلی را تعیین و بجای ظرفیت پرهزینه تولید، روی افرادش سرمایه‌گذاری می‌کند. در واقع می‌توان گفت همراه با تولید روزافزون خارجی، تولیدات داخلی، تکنولوژی، دانش و سرمایه، اهمیتی بیشتر از زمین پیدا کرده است، از این رو کارکرد دولت باید بازتعریف شود. دولت دیگر مثل گذشته حاکم بر منابع نیست و بجای آن تلاش دارد سرمایه و نیروی کار خارجی و داخلی را برای ورود به فضای اقتصادی خود تشویق کند. دولت مجازی به این دلیل به تولید در خارج اقدام می‌کند که بتواند در داخل به سطح بالای خدمات از قبیل تحقیق و توسعه، تولید طرح، مسائل مالی، بازاریابی و حمل و نقل دست یابد. در وضعیت کنونی، استراتژی اقتصادی یک ملت حداقل به اندازه استراتژی نظامی آن اهمیت دارد. امروزه تجارت و سرمایه‌گذاری و بازاریابی خارجی عمدتاً به همان توجه و مدیریتی نیاز دارند که امور سیاسی و نظامی در دو دهه پیش نیاز داشتند. (رزکرانس، ۱۳۸۸: ۱۲۶ - ۱۲۵) به‌طور کلی، باید گفت دولت مجازی مبتنی بر عوامل سیار تولید است، از آنجاکه اندازه و حجم، دیگر بیانگر ظرفیت اقتصادی نیست، منطق اقتصادی این دولت، بهره‌جویی از طریق کوچک کردن مولد است. بدین ترتیب، دولت‌های مجازی کلید رقابت برای ثروت بیشتر را در قرن بیست و یکم در دست دارند. (Rosecrance, 1996: 18)

ج) کوچک (چابک) سازی: در فرآیند کوچک شدن و انتقال تولید به خارج از مرزها، شرکت‌ها و دولت‌ها باید به اعتماد به دیگران عادت کنند، شرکت‌های مجازی به تسهیلات تولیدی سایر شرکت‌ها نیازمندند؛ در نتیجه، روابط اقتصادی بین دولت‌ها شبیه سلسله اعصاب، کشورهای سر را در یک نقطه به کشورهای بدنه در نقطه دیگر متصل می‌کند. مادامی که سیستم بین‌المللی دولت - ملت‌ها باقی باشد و دولت‌ها به حوادث از منظر مالی بنگرند، تضاد بین اعضای آنها وجود خواهد داشت و رقابت و کشمکش همیشگی بین آنها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود، اما روند شکل‌گیری دولت‌های مجازی، اتحادهای شرکتی و روابط تجاری، گواهی از اوضاع صلح‌مدارانه جهان دارد. اگرچه ممکن است دولت‌های مجازی مشکلات داخلی را حل نکنند، اما قراردادهای اقتصادی که این دولت‌ها را به سایر دولت‌ها مرتبط می‌کند، به حل آسان‌تر مسائل امنیتی کمک خواهد کرد. (رزکرانس، ۱۳۸۸: ۳۹ - ۳۶)

د) رویکرد تولید انعطاف‌پذیر: از جمله تحولات شرایط سازمانی، گذار از تولید انبوه به تولید انعطاف‌پذیر یا از فوردیسم به پست فوردیسم است. فوردیسم، نوعی شیوه تولید بود که بر کارخانجات عظیم استوار بود و خود را وقف تولید انبوه یک فقره واحد با حداقل تفاوت براساس افزایش بهره‌وری نموده و سازمان آن، مستلزم الگوهای شغلی ثابت و دائمی بود (کانر، ۱۳۸۰: ۵۶) اما در دوران پسافوردیسم، هنگامی که کمیت و کیفیت تقاضا غیر قابل پیش‌بینی شد، بازارها در سراسر جهان متنوع‌تر و مهار آنها دشوارتر شد و هنگامی که آهنگ تحول تکنولوژیک، تجهیزات تولید تک منظوره را از دور

خارج کرد، نظام تولید انبوه چنان انعطاف‌ناپذیر و پر هزینه شد که دیگر با ویژگی‌های اقتصاد نوین و عرصه رقابت بین‌المللی سازگار نبود؛ بنابراین نظام تولید انعطاف‌پذیر اقتصاد دولت‌های مجازی، پاسخی برای غلبه بر این انعطاف‌ناپذیری بود. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۹۸)

۳. ویژگی‌های دولت مجازی: برای درک بهتر مفهوم دولت مجازی و تحولاتی که منجر به شکل‌گیری آن شده است، همچنین به‌منظور بهره‌برداری بیشتر و بهینه از این دولت در عرصه روابط بین‌الملل، اساسی‌ترین ویژگی‌ها و شاخص‌های آن را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم:

الف) اهمیت آموزش و تربیت: طی ادوار طولانی، از جهت اجتماعی و اقتصادی به آموزش، بهای کمی داده می‌شد؛ در صورتی که مطالعات بهره‌وری مؤسسه بروکینگ آمریکا نشان دهنده اهمیت نقش آموزش در رشد و پیشرفت آمریکا است. بنابر گزارش بانک جهانی، ۶۴ درصد از ثروت جهانی شامل سرمایه انسانی است، از این‌رو، با توجه به اهمیت فوق‌العاده مقوله آموزش، شرکت‌ها به‌دنبال ارتقای استانداردهای تدریس و تعلیم در درون خود هستند. آموزش از دو جهت سرمایه محسوب می‌شود: اول اینکه یک جامعه تحصیل کرده به‌عنوان یک رقیب در بازار اقتصاد جهانی بسیار مؤثر است؛ دوم از این جهت که آموزش، مناسب‌ترین راه‌حل علاج نابرابری‌های داخلی است، در رقابت اقتصادی بین‌المللی، سرمایه انسانی ابزاری است که دولت‌ها به وسیله آن خود را از محدودیت‌های جغرافیایی رها ساخته و به واسطه آموزش مناسب، قادر به تغییر آینده اقتصادی و صنعتی خود شده‌اند، نکته قابل توجه اینکه این آموزش‌ها باید از دوره دبستان و راهنمایی عملی شوند. (رزکرانس، ۱۳۸۸: ۳۳)

ب) ظهور بازیگران نرم: یکی از ویژگی‌های دولت‌های مجازی، ظهور بازیگران نرم‌افزاری است، اطلاعات و دانش به عنوان منابع جدید تولید قدرت و ثروت در دولت مجازی مورد توجه است؛ بنابراین توسعه منابع ارتباطی - اطلاعاتی برای دستیابی به اطلاعات ضروری است. از آنجاکه عصر اطلاعات، انبوه اطلاعات را به همراه دارد، افزایش توانایی و ظرفیت دولت در پردازش آن از یک سو و انطباق‌پذیری با اطلاعات دریافتی از محیط بیرونی از سوی دیگر، لزوم تحول در ساختار و کارکردهای دولت را متذکر می‌شود. از آنجاکه تحول در ساختار با تحول در کارگزار و یا نگرش همراه است، شکل‌گیری دولت مجازی منوط به حضور بازیگران نرم‌افزاری است. لازم به ذکر است منظور از بازیگران نرم‌افزاری، نخبگان و حاملان انقلاب اطلاعاتی و یا عاملان توسعه اقتصاد مبتنی بر دانش هستند، آنها با ایفای نقش‌های مناسب موجب ظهور دولت مجازی می‌شوند. (یعقوبی، ۱۳۸۶: ۲۰)

ج) اثرگذاری رسانه بر سیاست: در فضای فرهنگی دولت مجازی که متکی بر واقعیت مجازی است، بازیگران سیاسی به‌منظور حضور در صحنه و تأثیرگذاری بر روند تحولات ناگزیرند از رسانه‌های

حامل نمادهای الکترونیک، به خصوص تلویزیون، به صورت تمام‌عیار بهره‌برداری کنند. پیامی که در عرصه سیاست از طریق رسانه‌های الکترونیک انتقال می‌یابد، به اقتضای ماهیت رسانه و انباشت اطلاعات، صورتی ساده به خود می‌گیرد، دیپلماسی کنونی به یاری رشد تکنولوژی و فضای مجازی، از حالت مذاکرات چهره به چهره به گفتگوی رسانه‌ای تبدیل شده است. مؤثرترین ابزار فعالیت سیاسی و دیپلماسی در این فضا، بهره‌گیری از پیام‌های با محتوای منفی است، مؤثرترین پیام‌های منفی عبارت است از آنچه که بر افشاگری‌ها، بازگویی رسوایی‌های اخلاقی و مالی، برجسته کردن فقدان مشروعیت سیاسی و نقاط ضعف دیدگاه‌های رقیب تأکید دارد. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۷)

د) شبکه‌سازی مدیریت منابع قدرت: از دیگر مؤلفه‌های دولت مجازی، ماهیت شبکه‌سازی و مدیریت منابع متحرک و سیال قدرت می‌باشد، وظیفه دولت‌های مجازی در این راستا عبارت است از مدیریت و هدایت منابع قدرت جهانی، تشویق و تحریض و هماهنگی فعالیت‌ها، تدوین استراتژی اقتصادی نه در منابع سنتی مانند صنعت و معدن و کشاورزی، بلکه در زمینه‌هایی چون خدمات پژوهشی و فنی و تعلیم نیروی کار خلاق، کارآفرین و کارآمد، بنابراین، درآمد از صنعت پرارزش ناشی نمی‌شود؛ بلکه از طراحی، بازاریابی، بیمه، بسته‌بندی مناسب، توسعه کمی و کیفی، ارائه تسهیلات، امور حقوقی و تأمین ذخایر مالی ناشی می‌شود. (سریع‌القولم، ۱۳۸۱: ۱۲ - ۶)

تحلیل نظام جمهوری اسلامی ایران در چارچوب دولت مجازی

نظریه دولت مجازی را به سه سطح اجزای سازنده یا مبانی و مبادی، ماهیت و غایت یا کارکرد، ویژگی‌ها و مشخصه‌ها فرو کاستیم و جمهوری اسلامی را در این سه سطح فرو کاسته مورد بررسی قرار می‌دهیم:

سطح اول (مبادی و مبانی): آینده جمهوری اسلامی به کمیت و کیفیت ارتباطات گره خورده است زیرا، هم به دلیل توسعه شگفت‌انگیزتر ارتباطات جهانی در آینده و هم به جهت ضرورت پاسخ به نیازهای روزافزون مردم خود، ناچار است به ارتباطات توجه بیشتری به عمل آورد. در اسناد بالادستی، توجه کافی به توسعه ارتباطات شده است اما همه اینها، بر روی کاغذ است مانند سازماندهی و تقویت نظام ملی اطلاع‌رسانی و رایانه‌ای به‌منظور صیانت از امنیت همه‌جانبه و ... (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۷۷: ۱۳۷۷)

اگر دستاورد ارتباطی ایران در آینده مانند گذشته باشد، کارآمدی دولت به نحوی زیر سؤال رفته و با مشکل مواجه خواهد شد. مراد از ارتباطات، تنها ارتباطات الکترونیکی نیست بلکه افزایش همبستگی ملی، همدلی اجتماعی و یک‌رنگی عمومی به مثابه سرمایه اجتماعی آسیب دیده انقلاب اسلامی، ایده جامعه ارتباط‌محور را تشکیل می‌دهد که اقتصاد تنها یک رکن آن است، در این صورت،

بقایای باقی‌مانده خصومت‌های اجتماعی رنگ می‌بازد و راه را برای تعریف جدید از ارتباطات در پیوند با توسعه به فرهنگ عامه تبدیل می‌کند. دولت در چنین فضایی، دچار تحولی ماهوی از یک آقابالاسر به یک هماهنگ‌کننده مجموعه اقدامات ارتباطی برای وضع بهتر می‌گردد. در دستیابی به جامعه ارتباط‌محور، توجه عمیق به ایجاد زیرساخت‌های نرم‌افزاری در فرهنگ عمومی مانند گسترش سواد رسانه‌ای و سخت‌افزاری در صنایع الکترونیک مانند رشد زیرساخت‌های فناوری و ابزارهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی، یک ضرورت است. (تولایی، ۱۳۹۳: ۱۲۳ - ۹۲)

از دیگر مبانی دولت مجازی، محوریت اقتصاد در آن است اما انقلاب اسلامی، با توجه به درگیری‌های اولیه مقداری از این محور فاصله گرفت و نهایتاً بعد از پیروزی با نگرش جدی‌تری به آن پرداخته شد، البته این سخن صرفاً به معنای آن است که اقتصاد از اولویت‌های اولیه انقلاب نبود اما پس از جنگ، توجه به اقتصاد به دلیل افزایش نیازهای اقتصادی و افزایش نارسایی‌های اقتصادی ناشی از سوءمدیریت و تشدید تحریم‌ها چنان اصالت یافت که اینک، به اصلی‌ترین اولویت در سند توسعه ششم و هفتم و در شعارهای سال رهبری و در مصوبات مجلس یازدهم تبدیل گشته است. ادامه این رویکرد درست در شرایط فعلی، منوط به این است که دولت اقتصاد را در باکس دولت مجازی ببیند، در آن صورت رشد اقتصاد به درون تکیه دارد اما به اقتصاد دنیا در قالب دیپلماسی اقتصادی، دلگرم است. فرهنگی کردن مؤلفه‌های اقتصادی جایگزین بیشینه کردن سود می‌شود. اقتصاد با فناوری اطلاعات و ارتباطات با رویکرد اجرای عدالت اجتماعی آمیخته و آبدیده می‌گردد. دستیابی و تثبیت به کارآمدی برپایه خواست عمومی، به اصلی مهم تبدیل می‌گردد. ناگفته نماند که حاصل تحقق این مؤلفه‌ها، دولت مجازی در جمهوری اسلامی را به شبکه‌ای از حکمرانی یا حکمرانی شبکه‌ای تبدیل می‌کند که در آن اقتصاد در آمیزش با فرهنگ، به اصلی بنیادین مبدل می‌شود. (خواجه نایینی، ۱۳۹۳: ۱۵۴ - ۱۲۹)

گسترش مفاهیم عمومی که با درایت و کیاست امام خمینی در موضوعاتی چون تقوا، عدالت، ظلم‌گریزی، استکبارستیزی و ... صورت پذیرفت، سرمایه اجتماعی عظیمی را فراهم آورد که حاصل آن، پیروزی‌های پی‌درپی بر شاه و صدام بود. پایان جنگ، در این موضوع هم به نقطه عطفی تبدیل شد که پس از آن، ارزش‌های دینی و ملی به دلایلی چون تهاجم فرهنگی، توسعه اشرافی‌گری، تشدید غرب‌گرایی و ... نگرانی‌های جدی را در عموم و عالی‌ترین مقامات دلسوز دامن زده است. ادامه یا رشد این وضع، در نقطه مقابل کارآمدی در قالب دولت مجازی یا دولت شبه مدرن قرار دارد اما باید با برنامه جدی‌تری به آن پرداخته شود، فرصت برای غیرسیاسی کردن امور، تلاش همزمان در اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... توسعه همزیستی و همکاری جمعی، کاهش خشونت و رویکردهای ویرانگرانه ... در

چارچوب اقدام هماهنگ قوای عمومی و احاد ملت وجود دارد در این راستا، توجه به مفهوم دموکراسی اقتصادی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. دموکراسی اقتصادی، بیش از آن که بر مؤلفه‌های اقتصادی استوار باشد، بر فرهنگ کار جمعی در چارچوب نگاه به آینده کارآ و برنامه‌ریزی دور از خشونت مبتنی بر مفاهیم قرار دارد، از این رو است که نباید نقش امنیت را در توسعه نادیده گرفت. امنیت نیز، به خواست عمومی و کاهش وجوه خشن فرهنگ عامه بستگی دارد. چنین دولتی که از آن می‌توان به حکمرانی الکترونیکی هم یاد کرد با تعامل و همکاری دوسویه در پی افزایش مشارکت، پاسخگویی، شفافیت در جهت اخذ رضایت‌مندی عمومی است. (قربانی‌زاده و الیاسی، ۱۳۹۵: ۵۴۰ - ۵۲۱)

دولت مجازی، می‌تواند یک محل مناسب برای بحران‌های مختلف شهروندی امروز و فردای نظام باشد و انقلاب اسلامی که خود برای حل بحران مشروعیت نظام شاهی برآمد، و با تکیه بر پشتوانه مردمی از بحران‌های فراوانی عبور کرد، قادر است با کاربست نرم‌افزاری و همزمان دولت الکترونیک، حقوق شهروندی، رضایت‌مندی عمومی و سرمایه انسانی، سامان یابد. بحران‌ها یا مسائل کشور، براساس اعلام مرکز بررسی‌های مجلس، از مرز ۱۰۰ مورد گذشته است. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶: ۵) که در مقایسه با ۱۰ سال قبل، در ۱۰ سال آینده، اگر دولت مجازی شکل نگیرد و بسط نیابد، رشد بیشتری خواهد داشت. عمل به همه حقوق شهروندی در چارچوب قانون اساسی، کمترین انتظار مردم است، بلکه، انتظار امروز مردم، به دلیل افزایش آگاهی و انتظار ناشی از آن، متأثر از توسعه فضای ارتباط جمعی داخلی و خارجی، حتی از قانون اساسی فراتر رفته است، بنابراین تنها می‌توان با آموزش در منطقی کردن خواسته‌های حقوق شهروندی و تلاش صادقانه و مستمر و بدور از جنجال‌های سیاسی در تأمین آن از جمله بهینه‌سازی دستمزدها، منطقی کردن قیمت‌ها، کاهش تبعیض در استخدام، افزایش صداقت در کار و سخن و ... مشروعیت سیاسی نظام در جمهوری اسلامی را تقویت کرد. (حسن‌پور و عشق‌پور، ۱۳۹۷: ۷۱ - ۵۲)

سطح دوم (ماهیت و غایت): دولت مجازی، تنها یک دولت کشاورزی یا یک دولت اقتصادی صرف نیست همان‌طوری که با حکمرانی خوب یا شایسته کاملاً منطبق نیست بنابراین جمهوری اسلامی در چارچوب دولت مجازی، با حفظ ماهیت کشاورزی به دلیل اهمیتش در زیست انسانی، سرمایه و نیروی انسانی بخش کشاورزی را در پیوند با اقتصادی جهانی به جریان می‌اندازد و بجای تکیه بر زمین به شکل سنتی و نیز، بجای تولید کالای کشاورزی به شکل سنتی، سرمایه کار سیار و نیروی کار سیار منضم به اصول انسانی و اخلاقی را جایگزین می‌کند، در این راستا، جمهوری اسلامی، نفوذ در بازارهای منطقه‌ای و جهانی را بر کسب نفوذ سرزمینی ترجیح خواهد داد و بخش اعظم تولیدات داخلی خود را با ارتقا از

سطح خدمات، وارد سطوح تولیدی قابل عرضه و رقابت در بازارهای بین‌المللی می‌کند. آنچه دولت مجازی جمهوری اسلامی را از مدل دولت مجازی رزکرنس متمایز می‌کند آن است که آموزش و حفظ و بسط نیروی انسانی در چارچوب انسانی و دینی را اصل غیرقابل اجتناب خود قرار می‌دهد. آنچه در بخش کشاورزی جمهوری اسلامی اتفاق می‌کند، استفاده حداکثری از دستاوردهای نوین و عجین کردن آن با نرم‌افزارهای الکترونیکی و ترکیب آن با دو مقوله انسانیت، عدالت و معنویت است اما در آن، خصوصی‌سازی، تجدید ساختار، تمرکززدایی و ماهیت ارتباطی - اطلاعاتی آن در پیوند با تجاری شدن و بالا رفتن سود انسانی کشاورزی مورد توجه جدی است. (معاونت راهبردی شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۹: majazi.ir)

در دولت مجازی، تولید یک زنجیره به هم پیوسته از تجمیع همه عوامل چه در تولید یک کالا و چه در تولید کالاهای دیگر به شمار می‌رود بنابراین دولت مجازی در جمهوری اسلامی باید از سطح زنجیره به هم پیوسته تولید هر کالا عبور کند و در گام دوم، این زنجیره را درباره همه کالاها در نگاه به بازارهای منطقه‌ای و جهانی، ایجاد نماید. تحقق چنین موضوعی، غیر از ضرورت تأسیس یک ستاد اجرایی و هماهنگ‌کننده، نیاز به استراتژی واحد و رویکردهای کلان تولیدی و بیش از آن، نیازمند فرهنگ تولید و کار در پرتو اجرا و نهادینه شدن حقوق کار، کارگر، کارفرما و ... است. در دولت مجازی جمهوری اسلامی، کاهش هزینه تولید و افزایش سرمایه‌گذاری، تنها در گرو، اقدامات سخت‌افزاری نیست بلکه تسهیل مجازی تولید و فرهنگ مجازی آن، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. در این دولت، جمهوری اسلامی حتی باید از نقش هماهنگ‌کنندگی عبور کند و به ایفای نقش مشوقانه در اقتصاد بپردازد. در هر صورت، نمی‌توان به دولت مجازی فکر کرد اما در آن به درآمیختن تکنولوژی، دانش و سرمایه در جمیع عوامل تولید نیندیشید، برنامه، تحقیق، تولید، بازاریابی، اخلاق حرفه‌ای و تداوم سیاست‌های پشتیبان از دیگر اجزای دولت مجازی در جمهوری اسلامی خواهد بود در این صورت ما با چیزی بیش از اینترنت اشیاء، مواجه‌ایم که آن حاکمیت مجازی در دو عرصه ابزار و فکر است. (مالکی تهرانی، ۱۳۹۷: donya_e_eqtesad.com)

همه‌چیز در دنیای مجازی، در شکل کوچک اما در محتوا، بزرگ می‌شوند و این موضوع، در دولت مجازی جمهوری اسلامی اتفاق می‌افتد. کوچک شدن دولت در همه عرصه‌ها، با افزایش توانایی‌ها همراه است همزمان با آن، اعتماد، عشق و صلح متقابل در داخل و خارج، توسعه می‌یابد. روابط اقتصادی و سیاسی و ... به شکل سلسله‌ای از اعصاب، همدیگر را از جهات فنی و محتوایی، پشتیبانی می‌کنند. منازعه کاهش می‌یابد و رقابت در محیط انسانی و با حفظ اصول اخلاقی ادامه می‌یابد. مفهوم دولت از یک آقا بالاسر خشن به یک دوست و همراه تبدیل می‌شود که در آن، کار به مفهوم انسانی نهادینه شده

است. کار به مفهوم انسانی تنها برای سود و سیرکردن شکم جریان نمی‌یابد بلکه علاوه بر آن، خود کار به ارزشی برای زیست جمعی تبدیل یا بدان نزدیک می‌گردد. به علاوه، همه تلاش اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی برای درون مرزها صورت نمی‌گیرد بلکه مفهوم انسانی امنیت جایگزین امنیت سرزمینی می‌شود و همه اینها، در پرتو فناوری‌های نوین دست‌یافتنی است، در واقع دولت مجازی بجای بیشینه‌کردن سود، به بیشینه‌کردن رضایت توأم با آرامش و آسایش می‌اندیشد البته اینها چون آنچه تافلر در کتاب **شوک آینده** از آینده جهان گفته بود، فعلاً به خیال شبیه است اما به سرعت باد به واقعیتی گریزناپذیر تبدیل می‌شود. (پژوهشگاه فضای مجازی، ۱۳۹۹: csri.majazi.ir)

رزکرانس تصویری اقتصادی از دولت مجازی، آن هم در فضای بین‌المللی ارائه می‌کند در حالی که مراد ما از دولت مجازی جمهوری اسلامی، فقط اقتصادی نیست بنابراین آنچه رزکرانس به عنوان برخورداری دولت مجازی از انعطاف‌پذیری در تولید مطرح می‌کند همه مقصود ما از دولت مجازی در جمهوری اسلامی نیست، البته این بدان معنا نیست که نقش اقتصاد تولید را در جمهوری اسلامی به نفع فرهنگ یا سیاست تغییر دهیم، بلکه می‌خواهیم از مفهوم رویکرد تولید انعطاف‌پذیر رزکرانس در دولت مجازی در تولید فرهنگی و سیاسی و نظامی هم مدد بگیریم، بنابراین در این فضای فکری، هم انبوه تولید و هم کیفیت آن همزمان مورد توجه است و آن دو، همپای رشد تکنولوژی و رشد نیازهای انسانی ارتقا می‌یابند و در کنار آن و عجین با کمالات انسانی و سجایای اخلاقی توسعه می‌یابند. در چنین شرایطی، محصولات تولیدی با نیازهای انسانی انسان‌ها، تغییر می‌یابند و تلاشی برای تحمیل خواست شرکت‌ها بر انسان‌ها صورت نمی‌گیرد بلکه رضایت توأم با پیشرفت آدم‌ها در دولت مجازی جمهوری اسلامی به اصلی بنیادی و بدون خدشه تبدیل می‌گردد. (کاوسی و حسین‌زادگان، ۱۳۹۰: ۶۲ - ۳۷)

سطح سوم (ویژگی‌ها و مختصات): آموزش در همه صور دولت، مهم و برای هرگونه پیشرفتی، اساسی است اما سهم آموزش و ترکیب آن با پرورش یا تربیت، سهم مهم‌تری در دولت مجازی تشکیل می‌دهد بنابراین، دولت مجازی در جمهوری اسلامی می‌کوشد از آموزش و پرورش در عرصه آکادمیک و هژمونیک بهره گیرد. نگاه به آموزش و نهادینه کردن آن با پژوهش (آموزش پژوهش‌محور) به افزایش تولید اقتصادی، کارآیی سیاسی، اثربخشی فرهنگی، بازدارندگی نظامی و عدالت اجتماعی کمک می‌کند و این افزایش‌ها، قدرت و نفوذ فرامرزی جمهوری اسلامی را در همه عرصه‌ها، فراهم می‌آورد. (صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۱۶۱) در دولت مجازی قواره جمهوری اسلامی، آموزش از حالت انباشت غیرمؤثر غیرکارآ به بهبود وضع و سامان فردی، اجتماعی و بین‌المللی تغییر می‌یابد. سرمایه انسانی در رویکرد نهادمند به آموزش ادغام شده با اصلاح فکری و رفتاری مبتنی بر اصول و قواعد انسانی، هم ارزش و

احترام می‌آید و هم این احترام و ارزش، در ترقیات دیگر، یک بنیاد اساسی را تشکیل می‌دهد. آموزش ترکیبی در دولت مجازی از خصلت فرامرزی، آمیختگی با فناوری‌های نو، خانه‌محوری، کم‌هزینه‌تر اما مؤثرتر و انعطاف‌پذیری برخوردار است و می‌کوشد آثار منفی فضا‌های مجازی را از طریق افزودن اصول اخلاقی ملی و دینی مورد اجماع تقویت کند. (همان)

تبدیل بازیگران سخت به بازیگران نرم، از خصایص فناوری‌های جدید در عرصه IT است. دولت جمهوری اسلامی برای دستیابی به دولت مجازی کارآمد، باید دشمنان سخت دیروز و امروز خود را براساس میزان قدرتمندی فناورانه آنان، مجدداً رتبه‌بندی کند و خود را به همان میزان تقویت و در آرایش جدیدی از قدرت مبتنی بر نرم‌افزارهای موجود قرار دهد. در دنیای فردا، هر کسی که از اطلاعات بیشتر بهره‌مند باشد، قدرتمندتر است اما جمهوری اسلامی با کسب و خلق پله‌ای اما سریع، فناوری‌های نوین که مبتنی بر سرمایه‌گذاری بالای توأم با برنامه‌ریزی استراتژیک و آمیختن آن با عنصر قدرت نرم ذاتی و اکتسابی است باید خود را به بازیگری نرم نه‌تنها بر پایه مبارزه با استکبار جهانی بلکه هم آن و هم انتشار چنین پیام‌هایی از طریق امکانات جدید، تبدیل کند بنابراین توسعه منابع ارتباطی، بازیافت و پردازش داده‌های اطلاعاتی، منطبق کردن آن با نیازهای روزافزون اجتماعی در فرآیند دستیابی به قدرت و بازیگری نرم بسیار مهم و حیاتی است و پیش از آن، ایجاد یک تصویری درست از دولت مجازی در بین کارگزاران و مردم، نقش اساسی در دستیابی به چنین دولتی را رقم می‌زند. در دولت مجازی، نخبگان سنتی دیروز به نخبگانی از جنس متخصصان فناوری مؤدب، کوشا، ژرف‌نگر و عمیق تبدیل می‌شوند و از طریق دیپلماسی دیجیتال بر تمامی محیط‌های پیرامونی تأثیر می‌گذارند. (کربلایی حاجی اوغلی، قرائتی و فرهنگی، ۱۳۹۳: ۹۲)

در دولت مجازی، دست برتر با رسانه‌ها است. مراد ما از رسانه‌ها در مفهوم کلان و مدرن است. رسانه‌ها در چنین قالبی بر همه چیز تأثیر افزایشی یا کاهش می‌گذارند. رسانه بر سیاست و اقتصاد و دیگر چیزها اثر می‌گذارد درحالی‌که رزکراس، معتقد به تأثیر دولت مجازی اغلب بر اقتصاد و در گام بعدی، بر سیاست است اما در دولت مجازی جمهوری اسلامی، تأثیر فضای مجازی با توجه به ماهیت جمهوری اسلامی و ماهیت دشمنانش، بیشتر از وجوه سیاسی برخوردار است. بنابراین مفهوم دولت مجازی در آینده جمهوری اسلامی با توجه به این موضوع، توجه بیشتری به مقاومت خود در قبال افشاگری‌های سیاسی در فضای مجازی، خواهد کرد که آن به معنای افتادن در دام دشمن است درحالی‌که باید همه تلاش خود را به ادغام فناوری و اخلاق در همه عرصه‌ها متمرکز کند. دولت مجازی مورد نظر، از میل افراطی به خبرسازی، فریب خبری، اخلاق‌ستیزی، شانتاژبازی و ... می‌کاهد و با ترکیب

رسانه، پیشرفت و اخلاق و توجه خود را به عرضه واقعیات و حقایق در یک فضای انسانی معطوف می‌کند و می‌کوشد با فرار از استبداد اطلاعاتی کارکردهایی را برگزیند که حاصلش، مشروعیت سیاسی بیشتر برای نظام جمهوری اسلامی باشد. (عیوضی، ۱۳۸۷: ۶۲)

همان‌طور که پیشتر گفته‌ایم، شبکه‌سازی از خصایص فضای مجازی و دولت مجازی است. شبکه‌سازی، به صورت بخشی اتفاق نمی‌افتد اما دولتی چون جمهوری اسلامی می‌تواند به نسبت توانایی بالفعل خود، شبکه‌سازی را به صورت پایلوتی در حوزه‌های اولویت دار اجرا و در یک پروسه سعی و خطا و همپای با توانایی‌های اکتسابی در حوزه نرم‌افزاری، آن را بسط دهد اما دولت مجازی موجود ناقص الخلقه نیست. شبکه‌سازی، سرعت بالا، کاهش هزینه، افت ریسک و ارتقای شفافیت را به ارمغان می‌آورد، مؤلفه‌هایی که هریک برای یک کشور توسعه‌یافته و البته توسعه به معنای همه‌جانبه و پایدار، لازم و ضروری است. دولت مجازی کارآمد جمهوری اسلامی باید از دو ویژگی دیگر ناشی از شبکه‌سازی، یعنی مدیریت و هدایت به‌طور همزمان بهره‌مند باشد. شبکه‌سازی به معنای ارتباط افقی همزمان با ارتباط عمودی و زیگزالی در همه سطوحی است که دولتی را کارآمد می‌سازد و البته این نکته در فرآیند دولت‌سازی کارآمد مورد توجه است که نرم‌افزار عدالت، قربانی سخت‌افزار قدرت نمی‌شود و این چیزی است که به شبکه‌سازی انسانی از آن یاد می‌کنیم، موضوعی که در الگوی دولت مجازی رزکرانس، از سوی او، هدف‌گیری نشده است. (آهنگران و رضایی عباسی، ۱۳۹۸: ۱۰ - ۱)

نتیجه

در دولت مجازی رزکرانس اقتصاد - ارتباط، پایه است، اما باید به مسائل گوناگون در این حوزه توجه نمود، هیچ دولتی نمی‌تواند تک بعدی باشد، البته بهتر است که بگوییم رزکرانس در دولت مجازی‌اش به اقتصاد و ارتباطات، اصالت و اولویت می‌دهد ولی در آن متوقف نمی‌ماند، ما هم باید این‌گونه عمل کنیم البته تضادهای رویکردی عمیقی بین انقلاب اسلامی و دولت مجازی رزکرانسی وجود دارد اما تغییر اولویت‌های رویکردی، یک تصمیم استراتژیک است که بیش از آنکه مضر باشد دارای دستاوردهای مهم بوده و البته این موارد باید در چارچوب رعایت مصالح نظام قرار داشته باشد، بنابراین در جمهوری اسلامی باید به اقتصاد - ارتباطات اصالت دهد اما همه نیازهای یک ایرانی مسلمان را نمی‌توان و نباید به اقتصاد - ارتباطات گره زد بلکه باید همه نیازهای او را در نظام شبکه‌ای و همه جانبه قرار داد. جمهوری اسلامی در مرحله گذار از تمدن ناسیونالیستی - لیبرالیستی به تمدن نوین اسلامی قرار دارد، بنابراین چاره‌ای ندارد که در این مرحله، از این دستاوردهای غربی در تراز بومی‌سازی استفاده کند اما در نهایت، باید به بوم‌گرایی کامل سوق پیدا کند که در آن هیچ نشانه

سیرتی و صورتی از تمدن غرب وجود ندارد. توجه داریم که تن دادن به دولت مجازی و بومی - دینی کردن آن در کوتاه مدت، تنها برای جبران کاهش مشروعیت ازدست‌رفته دولت‌های گوناگون نیست بلکه تلاش در این زمینه، باید با هدف حفظ موجودیت انقلاب و نظام اندیشیده، طراحی، اجرا و نظارت شود. هسته اصلی آنچه در اینجا روی می‌دهد، نهادینه کردن ارتباطات افقی یا اجتماعی هوشمند مبتنی بر اصول و قواعد انسانی و بشری است که پله اول در رویکرد به دین در معنای خاص است.

منابع و مأخذ

۱. آقابخشی، علی، ۱۳۷۹، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، نشر چاپار.
۲. آهنگران، روح‌الله و شبنم رضایی عباسی، ۱۳۹۸، «ظرفیت نو شبکه‌های اجتماعی مجازی در گفتمان‌سازی ایمان به وعده‌های الهی»، *پژوهش در هنر و علوم انسانی*، ش ۹، اسفند، ص ۱۰ - ۱.
۳. بشیریه، حسین، ۱۳۸۲، «بحران دولت‌های ایدئولوژیک»، *بازتاب اندیشه*، ش ۲۸.
۴. پای‌گاه مجمع تشخیص مصلت نظام، ۱۳۷۷، www.maslahat.ir.
۵. پژوهشگاه فضای مجازی، ۱۳۹۹، «*حکمرانی فضای مجازی*»، ۱ شهریور، csri.majazi.ir.
۶. توحیدفام، محمد، ۱۳۸۲، *دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن*، تهران، روزنه.
۷. تولایی، روح‌الله، ۱۳۹۳، «آینده‌پژوهی، روندهای خدمات فضای مجازی ایران در فرآیند تکنولوژیک جهانی شدن با روش دلفی»، *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ش ۱۴، زمستان.
۸. جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون، ۱۳۸۵، *درآمدی بر روابط بین‌الملل*، ترجمه مهدی ذاکریان و دیگران، تهران، نشر میزان.
۹. حسن‌پور، سودا و منصور عشق‌پور، ۱۳۹۷، «مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق شهروندی در فضای مجازی با تأکید بر حریم خصوصی»، *دومین همایش بین‌المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی*.
۱۰. خواجه نایینی، علی، ۱۳۹۳، «درآمدی بر مفهوم حکمرانی شبکه‌ای؛ مطلوبیت‌ها و چالش‌ها»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ش ۱، پاییز.
۱۱. رزکرانس، ریچارد، ۱۳۸۸، *پیدایش دولت‌های مجازی؛ ثروت و قدرت در قرن آینده*، ترجمه بابک خادمی پاشاکی، تهران، پلیکان.
۱۲. سریع‌القلم، محمود، ۱۳۸۱، «مؤلفه‌های دولت مجازی»، *نشریه دنیای اقتصاد*، ش ۱۵.
۱۳. سلیمی، حسین، ۱۳۸۴، «دولت مجازی با واقع‌گرایی تهاجمی؛ بررسی مقایسه‌ای نظریه ریچارد روزکرنس و جان میر شایمر»، *پژوهش حقوق و سیاست*، ش ۱۷، پاییز و زمستان، ۴۲ - ۱۹.

۱۴. شفیعی، نوذر، ۱۳۹۳، *نظریه‌های دولت‌سازی*، رساله دکتری.
۱۵. شیروودی، محمدسجاد و دیگران، ۱۴۰۰، «دولت مجازی در جمهوری اسلامی ایران و ارتقای مشروعیت و کارآمدی سیاسی»، *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ش ۳۸، پاییز.
۱۶. صبوری خسروشاهی، حبیب، ۱۳۸۹، «آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن؛ چالش‌ها و راهبردهای مواجهه با آن»، *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ش ۱، زمستان، ص ۱۹۶ - ۱۵۳.
۱۷. عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۸۷، «بحران‌شناسی رسانه‌ای: رسانه، قدرت نرم قرن ۲۱»، *پژوهش‌های ارتباطی*، ش ۵۵، ص ۸۰ - ۵۵.
۱۸. فتحعلی، محمود، ۱۳۸۲، *مباحثی در باب کارآمدی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۹. قربانی‌زاده، وجه‌الله و فرزانه الیاسی، ۱۳۹۵، «تأثیر عوامل فرهنگی و فنی بر حکمرانی الکترونیکی»، *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ش ۲، تابستان.
۲۰. کاستلز، مانوئل، ۱۳۸۰، *عصر اطلاعات؛ جامعه شبکه‌ای*، ترجمه احدعلی قلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو.
۲۱. کانر، استیون، ۱۳۸۰، *پست مدرنیسم؛ نقی فرااروایت‌ها*، به اهتمام حسین علی نوذری، تهران، اطلاعات.
۲۲. کاوسی، اسماعیل و زهره حسین‌زادگان، ۱۳۹۰، «حفظ هویت ایرانی - اسلامی در فرآیند جهانی شدن»، *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ش ۳۵، تابستان.
۲۳. کربلایی حاجی اوغلی، حسن، علیرضا قرائتی و علی‌اکبر فرهنگی، ۱۳۹۳، «دیپلماسی دیجیتال و روابط میان دولت‌ها در جوامع معاصر»، *مطالعات رسانه‌ای*، ش ۲۴، بهار، ص ۹۹ - ۸۹.
۲۴. مالکی تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۷، «استقرار دولت مجازی»، ۲۵ اردیبهشت، donya_e_eqtesad.com.
۲۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶، *عمده‌ترین مسائل کشور؛ اولویت‌ها و راهبردهای مجلس شورای اسلامی در دوره دهم*، تهران، rc.majlis.ir.
۲۶. معاونت راهبردی شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۹، «*هوشمندسازی در عرصه کشاورزی*»، majazi.ir.
۲۷. یعقوبی، سعید، ۱۳۸۶، *سیاست‌گذاری در دولت مجازی: اقتدار و قدرت ملی ایران*، تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.